درس 44

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
حزقيال
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد، چه آموخته‌ايد (حزقيال 36، 37، 38، 39)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: روميان
مرور: روميان 12:17 را دو به دو مرور كنيد.

4 بررسي كتاب‌مقدس (90 دقيقه)
روميان 1:14-23
مقدمه: روميان 14:1 تا 15:6 در بارة وظيفة فرد مسيحي در قبال مسيحياني تعليم مي‌دهد كه ايمانشان ضعيف يا قوي است. در اين مضمون، منظور از ايمان، ايمانشان به عيسي مسيح براي نجات نيست، بلكه منظور ايمانشان به كاري است كه در مقام يك مسيحي مي‌توانند يا نمي‌توانند انجام دهند! ايمان ذهني ايشان تعيين‌كنندة عقايد شخصي و يقين‌ها يا باورهايشان در مورد مسائل قابل بحث مي‌باشد.

گام 1: قرائت
قرائت: روميان 1:14-23 را با هم بخوانيم.
هر يك از ما به‌نوبت يك آيه را بخوانيم تا قرائت تكميل شود.

گام 2: كشف كردن
ملاحظه: كدام حقيقت در اين بخش براي شما مهم است؟
يا: كدام حقيقت در اين بخش فكرتان يا قلبتان را لمس مي‌كند؟
يادداشت: يك يا دو حقيقت را كه درك مي‌كنيد كشف نماييد، در موردشان تفكر كنيد، و فكرتان را در دفترتان يادداشت كنيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به فكر كردن و يادداشت كردن گذراندند، بخواهيد كه به‌نوبت افكارشان را در ميان بگذارند).
حالا به‌نوبت آنچه را كه كشف كرده‌ايم، با يكديگر در ميان بگذاريم.
(سطور بعدي نمونه‌اي است از اينكه چطور افراد كشفيات خود را در ميان مي‌گذارند. به ياد داشته باشيد كه در هر گروه كوچك، اعضاي گروه مطالب متفاوتي را با هم در ميان خواهند گذاشت، و نه الزاماً مطالب ذيل را.)
كشف 1ـ در روميان 1:14-2 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. مسائل قابل بحث در ميان مسيحيان چيست؟

الف) مسائل غير قابل بحث. پولس در رسالات خود، در موقعيت‌هاي مختلف مطالبي خطاب به مسيحيان مي‌نويسد. براي مثال:
1) در رساله‌اش به قرنتيان، به مسأله مراجعه مسيحيان به دادگاه، و سازشكاري ايمانداران با مسيحيانِ نامطيع كليسا، و ازدواج، و طلاق و غيره مي‌پردازد.
2) در رساله‌اش به غلاطيان، به اين تعليم نادرستِ يهوديان مي‌پردازد كه مسيحيان به‌واسطة انجام اعمال شريعت مي‌توانند نجات يابند.
3) در رساله‌اش به كولسيان، او به اين تعليم نادرستِ غنوصي‌ها (گنوستيكها) مي‌پردازد كه روح انسان بايد از جسم آزاد شود، خصوصاً از طريق تحمل رياضت سخت.
در مورد تمام اينها در كتاب‌مقدس تعليم روشني وجود دارد. اينها مسائل قابل بحث «نمي‌باشند»!

ب) مسائل قابل بحث. اما در ميان مسيحيان، مسائلي وجود دارد كه قابل بحث است. پولس در رساله‌اش به روميان، به موضوع مسائل قابل بحث مي‌پردازد. مسائل قابل بحث آن مسائلي است كه در كتاب‌مقدس در موردشان هيچ تعليمي وجود نـدارد، يـا اگـر هم هسـت، بسـيار انـدك اسـت. بـا وجـود اين حقيقت كه كتاب‌مقدس چيزي در بارهٔ چنين مسائل قابـل بحـثي نگفتـه اسـت، مسـيحياني هسـتند كـه در مورد آنها نظرات و اعتقادات و باورهاي سفت و سختي دارند، و در نتيجه، در بارهٔ آنها بحث و مجادله (بـه يوناني: dialogismoi) مي‌كنند. در شهر روم، مسيحيان از پيشينه‌ها و زمينه‌هـاي گونـاگوني مي‌آمدنـد و در خصوص برخي مسائل، نظرات متفاوتي داشتند. آنان همچنين با يكـديگر در خصـوص اين مسـائل بحث و مجادله مي‌كردند و حتي نظرات يكديگر را مورد قضاوت و داوري قرار مي‌دادند.

نظر يعني ديدگاه و نگرشي كه حالت احتمـالي دارد، در حـالتي كـه اعتقـاد عبـارت اسـت از باورهـاي تغييرناپذير. اما در روم، بعضي‌ها نظرات خود را اعتقاداتي تغييرناپذير تلقي مي‌كردند يا اعتقـادات خـود را همچون ايماني مطلق مي‌پنداشتند! در روم در روزگار پـولس، مسـيحيان در خصـوص خـوراك و روزهـاي عيد، نظرات گوناگوني داشتند. ايشان در اين مورد بحث مي‌كردند كه آيا يك مسـيحي مي‌توانـد همـه چـيز بخورد يا فقط بايد سبزيجات بخورد (14:2). همچنين بحث مي‌كردند كه آيـا يـك مسـيحي بايـد هـر روز را يكسان بينگارد يا اينكه يكي از روزها را مقدس‌تر از روزهاي ديگر به‌شمار بياورد (14:5).

پيشينهٔ احتمالي اين مباحثات ممكن است احكام مربوط به مناسك عهدعتيق باشد كه مسـيحياني كـه قبلاً يهودي بودند يا يهودي شده بودند، با آن خو داشتند. شريعت و احكـام مربـوط بـه مناسـك و آيينهـا در عهدعتيق، اقتضاهاي خدا را آشكار مي‌ساخت در اين خصوص كه چگونه بايـد بـه او تقـرب جسـت و او را عبادت نمود. اين احكام حاوي مقررات مربـوط بـه اشـخاص مقـدس (كاهنـان و لاويـان)، امـاكن مقـدس (خيمه اجتماع و معبد)، زمان‌هاي مقدس (روز سبت، اعيـاد مـذهبي) و كارهـاي مقـدس (قرباني‌هـا، ختنه، خوراكهاي حلال، نخست‌زادگي، نوبر محصولات، ده‌يك، و غـيره) مي‌شـد. علمـاي يهـود 613 حكم بشـري ديگر نيز به اينها اضافه كرده بودند و احكام خود را به همان اندازه بـراي يهوديـان لازم‌الاجـرا مي‌دانسـتند. لذا خصوصاً يهوديان و كساني كه به يهوديت گرويده بودند و بعداً مسيحي شده بودند، هنـوز اين احكـام را بسيار مهم و حتي لازم‌الاجرا مي‌شماردند. ايشان هنوز درك نكرده بودند كه عيسي مسيح آيينها و مناسـك عهدعتيق را تحقق بخشيده و آنها را منسوخ ساخته بود (افسسيان 2:15؛ كولسيان 2:14) و اينكه مسيح تمـامي احكـام سـاخته و پرداختـهٔ علمـاي يهـود را رد كـرده بـود (مـرقس 7:1-13)! از سـوي ديگـر، غيريهودياني كه مسيحي شده بودنـد، اين احكـام را مهم به‌شـمار نمي‌آوردنـد. در نـتيجه، در خصـوص اين مطالب در ميان مسيحيان روم بحث و مجادله وجود داشت.

مسائل مربوط به اختلاف نظر آنان زماني پيچيده شد كه مسيحيان از هر دو طرف، شروع كردنـد بـه اينكه نظرات شخصي خود را همچون اعتقادات مطلق تلقي كننـد! نظـراتي كـه ايشـان در مـورد مسـائل قابل بحث داشتند، في‌نفسه نادرست نبود. اما زماني نادرست مي‌شد كه پيروان يك نظـر خـاص، پـيروان نظر مخالف را محكوم مي‌ساختند. همچنين زماني نادرست مي‌شد كه پيروان نظر مخالف، به پـيروان آن نظر اهانت مي‌كردند.

ج) مسائل قابل بحث در ميان مسيحيان امروزي.

در روزگار ما، مسيحيان ممكن است امور زير را مسائل قابل بحث تلقي كنند:

1) آيا مسيحيان بايد تمام اعياد مسيحي را در طول سال برگزار كنند يا فقط بعضي از آنها را؟

2) آيا مسيحيان بايد به روش خاصي تعميد دهند يا اينكه آنچه واقعاً اهميت دارد، مفهوم تعميد است؟

3) آيا مسيحيان بايد شام خداوند را هر هفته و به‌طرز خاصي برگزار كنند يا نه؟

4) آيا مسيحيان بايد هر شب در طول هفته به جلسه كليسايي برونـد، و در روز خداونـد (يكشـنبه) دو بار بروند يا نه؟

5) آيا مسيحيان بايد فقط مزاميرِ كتاب‌مقدس را به‌عنـوان سـرود بخواننـد، يـا مي‌تواننـد انـواع ديگـر سرودهاي روحاني نيز بخوانند؟

6) آيا مسيحيان بايد در جلسات پرستشي از آلات موسيقي استفاده كنند؟ در اينصورت، آيـا بايـد آلت خاصي باشد يا اينكه مسـيحيان مي‌تواننـد بـه روشـهاي متفـاوت سـرود بخواننـد و موسـيقي بسـازند؟ آيـا مسيحيان مي‌توانند به‌هنگام سرود خواندن، كف بزنند يا نه؟

7) آيا رهبران كليسا بايد رداهاي مذهبي بپوشند يا لباس‌هاي عادي؟

8) آيا مسيحيان بايد لباس‌هاي مخصوصي بپوشند كه ايشان را متمايز سازد يا فقط لباس‌هاي عادي؟

9) آيا مردان مسيحي بايد موهاي كوتاه داشته باشند؟ آيا زنان مسـيحي بايـد پوششـي بـر سـر خـود داشته باشند؟

10) آيا مسيحيان مي‌توانند جواهرآلات به‌كار ببرند، مشروب بنوشند، برقصند، قمار بـازي كننـد بـدون اينكه بر سر پول باشد، تلويزيون نگاه كنند، يا سينما بروند، و غيره؟

مسيحيان بايد در خصوص اين مسائل يقين‌ها يا اعتقادات شخصي داشته باشند! اما درضمن، مسيحيان بايد بدانند با ساير مسيحياني كه در خصوص اين مسائل يقين‌هاي متفاوتي دارند، چگونه ارتبـاط برقرار كنند!

كشف 2. در روميان 14:3-4 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. و آن نگرشي است كه مسيحيان بايد در خصوص مسائل قابل بحث داشته باشند. آيه 1، ايمان بعضي از مسيحيان را ضعيف توصيف مي‌كند. در اين چارچوب، مقصود ايمان ايشان به عيسي مسيح براي نجات نيست، بلكه ايمانشان در خصوص كارهايي است كه در مقام مسيحي مي‌توانند يا نمي‌توانند انجام دهند! ايمان ذهني ايشان تعيين‌كنندة نظرات و اعتقادات و باورهاي شخصي ايشان مي‌باشد. مسيحياني هستند كه ايمان شخصي‌شان مانع مي‌شود كه برخي از خوراكها را بخورند و مسيحياني هستند كه ايمان شخصي‌شان اجازه مي‌دهد همه چيز بخورند. منظور از صفت‌هاي ضعيف و قوي، تحقير يا اهانت نيست، بلكه فقط تمايز است. پولس ايماني را كه شخص را از انجام بعضي كارها باز مي‌دارد ايمان ضعيف مي‌نامد، زيرا آن نوع ايمان در مقابل رفتار مسيحياني كه ايمانشان اجازه مي‌دهد همان كارها را انجام دهند، بيشتر در معرض لغزش و ويراني است.

الف) مسيحياني كه ايماني قوي دارند، نبايد بر آناني كه ايماني ضعيف دارند داوري كنند. روميان 14:1 مي‌فرمايد: «شخصي را كه در ايمان ضعيف است در ميان خود بپذيريد، ولي نه به‌منظور مباحثه در بارة عقايد او» (ترجمه مژده براي عصر جديد). اين بخش از نصيحت پولس براي مسيحياني است كه ايماني قوي دارند.
ايشان نبايد در مورد افكار يا نظرات مسيحياني كه ايماني ضعيف دارند، داوري كنند. مسيحيِ قوي نبايد در زمينة وسواس‌ها يا يقين‌ها (اعتقادات) متفاوت مسيحيِ ضعيف اظهار نظرهاي ارزشي بكند . براي مثال، نبايد در زمينة مسائلي نظير خوردن و نوشيدن، يا محترم داشتن يا نداشتن روزهايِ خاص، اظهارنظرهاي منفي بكند. او نبايد نظرات و يقين‌ها يا باورهاي ساير مسيحيان را در خصوص مسائل قابل بحث مورد انتقاد و عيب‌جويي قرار دهد. او نبايد وسواس‌هاي ايشان را تجزيه و تحليل كند و در مورد آنها به بحث بپردازد. «كسي كه هر غذايي را مي‌خورد، نبايد كسي را كه فقط سبزيجات مي‌خورد خوار بشمارد» (14:3، ترجمه مژده). مسيحياني كه ايماني قوي دارند، نبايد ساير مسيحيان را تحقير كنند يا مورد اهانت قرار دهند ، يعني آن دسته از مسيحيان را كه معتقدند بعضي از خوراكها را نبايد خورد يا بعضي از كارها را نبايد انجام داد.

ب) مسيحياني كه ايماني ضعيف دارند، نبايد مسيحياني را كه ايماني قوي دارند محكوم نمايند. روميان 14:3 مي‌فرمايد: «ناخورنده بر خورنده حكم نكند زيرا خدا او را پذيرفته است.» اين بخش از نصيحت پولس براي مسيحياني است كه ايماني ضعيف دارند.
ايشان بايد مراقب نگرش خود در مورد مسيحيانِ با ايمان قوي باشند. ايشان نبايد مسيحيانِ با ايمان قوي را بخاطر خوراك متفاتشان، پوشاك متفاوتشان، يا سرود خواندن متفاوتشان، مورد داوري و محكوميت قرار دهند. خدا مسيحيانِ با ايمان قوي را پذيرفته است و لذا مسيحياني كه ايماني ضعيف دارند، نبايد ايشان را غيرمسيحي تلقي كنند يا آنان را مسيحياني درجه دو يا با اطاعتي كمتر بپندارند! خدا مسيحيان قوي را كه هر نوع خوراكي را مي‌خورند پذيرفته است. مسيحيان نبايد آنچه را كه خدا تأئيد كرده است محكوم كنند و كسي را كه خدا پذيرفته است رد كنند. عمل كردن بر خلاف اين، به‌معني منحرف كردن كلام خدا است و دروغگو شمردن خدا.
روميان 14:4 مي‌فرمايد: «تو كيستي كه بر بنده كسي ديگر حكم مي‌كني؟ او نزد آقاي خود ثابت يا ساقط مي‌شود. ليكن استوار خواهد شد زيرا خدا قادر است كه او را ثابت نمايد.» به مسيحيان ضعيف اندرز داده شده كه در امور شخصي مسيحيان قوي دخالت نكنند، زيرا خدا ايشان و آزادي بيشتر در روش زندگي‌شان را پذيرفته است. مسيحيان ضعيف تمايل داشتند كه آزاديِ عملِ مسيحيانِ با ايمان قوي‌تر را به‌عنوان دنياگرايي يا لغزش و سقوط از سرسپردگي‌شان به مسيح تلقي كنند. مسيحيان ضعيف مي‌پنداشتند كه روش زندگي مسيحيان قوي مورد تأئيد مسيح نمي‌باشد. اما پولس مي‌فرمايد كه خادمِ شخصي ديگر را نبايد با هنجارها و معيارهاي خودمان داوري كنيم، بلكه با هنجارهاي ارباب خودش! پولس قضاوت عيب‌جويانة مسيحياني را كه ايماني ضعيف دارند، توبيخ مي‌فرمايد. و رفتار مسيحيان قوي كه مورد تأئيد خداست، نمي‌تواند استواريِ ايشان را به‌عنوان يك ايماندار در معرض خطر قرار دهد.

گام 3: سؤال
ملاحظه: از اين بخش چه چيزي مايليد از گروه بپرسيد؟
سعي كنيم همه حقايق موجود در روميان 14:1-23 را درك كنيم و در مورد مطالبي كه درك نمي‌كنيم، سؤال كنيم.
يادداشت: سؤال خود را تا حد امكان روشن طرح كنيد. سپس آن را در دفترتان بنويسيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به تفكر و يادداشت كردن گذراندند، اجازه دهيد ابتدا هر كس نظرات خود را مطرح كند.)
بحث: (سپس چند تا از اين سؤالات را انتخاب كنيد و بكوشيد در بارة آنها در گروه بحث كنيد و پاسخشان را بيابيد.)
(مطالب ذيل نمونه‌هايي است از سؤالاتي كه ممكن است محصلين مطرح كنند؛ همچنين تذكراتي براي بحث در بارة سؤالات ارائه شده است.)

سؤال 1. (14:5-9). مسيحيان در بارهٔ نظرات يا يقين‌هاي شخصي خود در خصوص مسائل قابل بحث، چه نگرشي بايد داشته باشند؟
يادداشتها.

الف) مسيحيان بايد در فكر خود در خصوص مسائل قابل بحث، يقين كامل داشته باشند (14:5). دو افراط و تفريط وجود دارد كه هر دو مردود است.
1) از يكسو، اغلب خواسته مي‌شود كه افراد خود را انطباق دهند. «انطباق» در مسائل قابل بحث كه اغلب از سوي كليسا يا بعضي از معلمين كليسا تحميل مي‌شود، هدف خدا و نيز اقتضاي محبت را مخدوش مي‌سازد! پولس رسول مسيحيان را نصيحت مي‌كند تا گوناگوني را در كليسا بپذيرند و يكديگر را نيز علي‌رغم گوناگوني نظرات يا يقين‌ها در خصوص برخي مسائل قابل بحث در كليسا را قبول نمايند.
2) از سوي ديگر، ممكن است فقدان يقين شخصي وجود داشته باشد. پولس رسول مي‌فرمايد كه هر فرد مسيحي بايد در مورد مسائل قابل بحث مختلف «در ذهن خود مُتَيَقِّن بشود» (يعني يقين كامل حاصل كند)، زيرا اين يگانه راهي است كه مي‌تواند چنين كارهايي را آگاهانه براي خداوند انجام دهد يا ندهد. هر فرد مسيحي نه فقط حق دارد براي خود نظرات يا يقين‌هاي شخصي در اين زمينه‌ها داشته باشد، بلكه خدا نيز مي‌خواهد كه شخص مسيحي در خصوص يقين‌هاي خود وضعيتي روشن داشته باشد و مطابق آنها زندگي كند.

ب) مسيحيان بايد بگذارند كه تمام رفتار و مَنِششان توسط اين تعيين شود كه هر كاري را «بخاطر خداوند» انجام دهند (14:6). در قلمروِ آزادي، رفتار فرد مسيحي غيرمذهبي نيست. هر آنچه يك مسيحي انجام مي‌دهد يا از انجامش خودداري مي‌كند، بخاطر خداوند است. او هرگز از اين امر غافل نخواهد ماند كه در حال خدمت به خداوند است (ر.ك. اول قرنتيان 10:31؛ كولسيان 3:17). آنچه در نظر خداوند مهم است، آن نگرش و حالت دروني است كه باعث مي‌شود شخص يقين خاصي را به‌عمل بياورد يا از عمل به آن خودداري نمايد. آنچه ثابت مي‌كند كه يقين‌هاي شخصي و رفتار ناشي از آن چه نزد مسيحيان قوي و چه نزد مسيحيان ضعيف، براي خدا قابل قبول است، اين است كه هر دوِ ايشان خدا را شكر مي‌كنند، صرف‌نظر از اينكه كارهاي خود را به روشي محدود انجام دهند يا نامحدود. «زيرا كه هر مخلوق خدا نيكوست و هيچ چيز را رد نبايد كرد، اگر به شكرگزاري پذيرند، زيرا كه از كلام خدا و دعا تقديس مي‌شود» (اول تيموتاؤس 4:4-5)! چيزهاي مخلوق براي خدا قابل قبول است بشرط آنكه مطابق تعليم روشن كتاب‌مقدس مورد استفاده قرار گيرند و مسيحيان براي آنها دعا كنند و خدا را سپاس گزارند (ر.ش. متي 15:36؛ اعمال 27:35؛ اول قرنتيان 10:30). مسيحيان از طريق سپاسگزاري از خدا، ظاهر مي‌سازند كه مرهون خدا مي‌باشند و سرسپردگي خود را به او نشان مي‌دهند.

ج) مسيحيان مي‌توانند از يقين‌هاي شخصي خود به‌طرزي سازنده دفاع كنند (14:16). «پس مگذاريد كه نيكويي شما را بد گويند.» آنچه كه مسيحيِ قوي نيكو تلقي مي‌كند، آزادي‌اش در قبال خوردن و نوشيدنش مي‌باشد، يا در قبال نگرشش در خصوص اعياد عهدعتيق. مسيحي قوي نيازي ندارد كه احساس كند آزادي‌اش در خصوص يك مسأله قابل بحث از سوي وجدان يك مسيحيِ ضعيف مورد داوري قرار مي‌گيرد، زيرا كه او براي آزادي خود خدا را شكر مي‌گويد (اول قرنتيان 10:29-30). بجاي آن، مسيحي قوي بايد هر چه مي‌كند و مسيحي ضعيف بايد هر چه را كه از انجامش اجتناب مي‌كند، براي جلال خدا بكند (اول قرنتيان 10:31). مسيحي قوي آزاد است تا از هر آنچه كه خدا خلق كرده تا استفاده كنيم، با شكرگزاري لذت ببرد. بدينسان مسيحيِ قوي نبايد خود را مقصر يا مردود بشمارد، زيرا به يقين‌هايي پايبند است كه مسيحي ضعيف آنها را مردود مي‌شمارد. وقتي اعتقادات و يقين‌هاي مسيحي قوي از سوي مسيحي ضعيف مورد حمله و رد قرار مي‌گيرد، او بايد از آنها به‌طرزي سازنده و با محبت دفاع كند.

د) مسيحيان بايد يقين‌هاي شخصي خود را ميان خود و خدا نگاه دارند (14:22). «آيا تو ايمان داري؟ پس براي خودت در حضور خدا آن را بدار.» مسيحيان قوي نبايد حقوق و آزادي خود را به‌ضرر مسيحيان ضعيف به نمايش بگذارند و در مورد آنها دست به اعتراض بزنند! اما مسيحيان قوي حق دارند به چنين يقين‌هايي پايبند بمانند و نبايد از آنها دست بكشند! اگر دست بكشند، اين كار را بدون ايمان انجام خواهند داد، و چنين كاري گناه است (14:23).

سؤال 2ـ (14:10-14). مسيحيان در خصوص نظرات يا يقين‌هاي شخصيِ ساير ايمانداران در خصوص مسائل قابل بحث چه نگرشي بايد داشته باشند؟
يادداشتها.

الف) مسيحيان نبايد نظرات يا يقين‌ها يا باورهاي سايرين در خصوص مسائل قابل بحث را مورد داوري قرار دهند (14:10-12). همه مسيحيان روزي در مقابل مسند داوري خدا خواهند ايستاد و در مورد زندگي شخص خود به خدا پاسخ خواهند داد. مسيحيان در مورد نحوهٔ زندگي ساير ايمانداران به خدا پاسخگو نخواهند بود، بلكه بايد پاسخ دهند كه خودشان چگونه زندگي كرده‌اند! بنابراين، مسيحيان نبايد يقين‌هاي شخصي يا رفتار ساير مسيحيان در خصوص مسائل قابل بحث را مورد داوري قرار دهند يا به

آنها با ديده تحقير بنگرند. خدا مسيحيان را از داوري كردن بر مردم خارج از كليسا منع كرده است. اين حق از آن خدا باقي خواهد ماند (متي 7:1-2؛ اول قرنتيان 5:12-13). خدا همچنين مسيحيان را از داوري كردن بر ساير مسيحيان منع كرده است، بجز در مواردي كه گناهي آشكار در ميان باشد (ر.ش. اول قرنتيان 5:1-13؛ اول تيموتاؤس 5:20). بجاي اينها، مسيحيان بايد حالت عيب‌جويانه و رفتار خالي از محبت خود را مورد داوري قرار دهند؛ بايد بر اين امر داوري كنند كه آيا مطابق اعتقادات خود رفتار كرده‌اند يا نه؛ بايد بر اين امر داوري كنند كه آيا از داوري كردن بر ديگراني كه اعتقاداتي متفاوت داشته‌اند، اجتناب كرده‌اند يا نه!

ب) مسيحيان بايد ميان آنچه كه بطور عيني درست است و آنچه كه در نظر برخي از مسيحيان بطور ذهني درست است، تمايز قائل شوند (14:14). آنچه كه در كتاب‌مقدس تعليم داده شده است، بطور عيني درست است. و آنچه كه تصور مي‌شود درست است، حتي وقتي در كتاب‌مقدس در مورد آن تعليم روشني وجود ندارد، آن امر فقط بطور ذهني درست است.
براي مثال، عيسي بروشني تعليم داد كه همه خوراكها حلال و پاك است (مرقس 7:15،19). و پولس رسول نيز تعليم داد كه هر چيزي كه خدا خلق كرده خوب است و هيچ چيز را نبايد رد كه اگر با شكرگزاري پذيرفته شود (اول تيموتاؤس 4:4-5؛ ر.ك. 14:14،20). پولس به اين حقيقت كه همه خوراكها پاك است و قابل خوردن، بر اساس حقيقتي عيني كه در كتاب‌مقدس تعليم داده شده پايبند است، و نيز بر اساس حقيقتي ذهني كه خودش بدان پايبند است.
اما گرچه تعليم عيني در كتاب‌مقدس همه خوراكها را حلال مي‌شمارد، اين بدان معنا نيست كه يقين يا اعتقاد ذهني هر فرد مسيحي همه چيز را پاك و حلال مي‌شمارد. يك مسيحي ضعيف ممكن است يك حقيقت عيني كتاب‌مقدس را بداند اما ايمان پذيرش آن يا عمل به آن را نداشته باشد. براي مثال، ممكن است بداند كه عيسي همه نوع خوراك را از نظر آييني پاك اعلام داشته است، اما بااينحال ممكن است برايش محال باشد كه بعضي از خوراكها را بخورد. بنابراين، مسيحيان قوي در ارتباطشان با مسيحيان ضعيف، بايد نه فقط حقيقت عيني كتاب‌مقدس را مد نظر قرار دهند، بلكه بايد همچنين به يقين يا اعتقاد شخصي و ذهني ايشان توجه نشان دهند!
همين وضعيت در خصوص بت‌ها نيز صادق است (ر.ش. اول قرنتيان 8:ـ 4،7). بسياري از مسيحيان مي‌دانستند كه بت در جهان هيچ چيز نيست و اينكه خدايي جز يكي وجود ندارد. اما هر فرد مسيحي اين را نمي‌دانست! بعضي از مسيحيان هنوز چنان به بت‌ها عادت كرده بودند كه گوشت قرباني تقديمي به آنان را نجس مي‌شماردند! لذا در اينجا تمايز ميان تعليم كتاب‌مقدس است و يقين و اعتقاد شخصي فرد. تمايز ميان «آنچه بطور عيني درست است» و «آنچه كه بطور ذهني درست تشخيص داده مي‌شود» مي‌باشد! مسيحيان بايد تعليم كتاب‌مقدس در باره مسائل قابل بحث را بدانند، اما بااينحال بايد احساسات و نظرات ذهني خود و احساسات و نظرات ساير مسيحيان در خصوص اين مسائل را مد نظر قرار دهند. مسيحيان فقط در جَوي از محبت و پذيرش و احترام متقابل مي‌توانند در زمينة نظرات و يقين‌هاي ذهني خود، يكديگر را بنا كنند.

سؤال 3. (14:15-20 a). مسيحيان در قبال مسائل قابل بحث چه رفتاري بايد داشته باشند؟
يادداشتها. منظور از كاربرد صفت‌هاي ضعيف و قوي اهانت و تحقير نيست، بلكه ايجاد تمايز است. پولس ايماني را كه شخص را از انجام بعضي كارها منع مي‌كند، ايمان ضعيف مي‌نامد، زيرا اين نوع ايمان در مواجهه رفتار مسيحياني كه ايمانشان اجازه انجام همان كارها را مي‌دهد، بيشتر در معرض لغزش و نابودي است.

مسيحيان بايد بگذارند كه رفتارشان را محبت تعيين كند، نه حقوق يا آزادي‌شان (14:13ـ 15). مسيحيان قوي حق و آزادي اين را دارند كه در خصوص مسائل قابل بحث، به برخي نظرات يا يقين‌ها پايبند باشند. اما وقتي اين حق يا آزادي موجب لغزش ايمانِ يك مسيحيِ ضعيف مي‌گردد، حق يا آزادي ندارند كه آن را ابراز دارند يا به آن عمل كنند. شريعت محبت بسيار مهم‌تر است از شريعت حق و آزادي! يك مسيحي قوي وقتي مي‌بيند كه نظر و يقينش در خصوص يك مسألة قابل بحث باعث لغزش ايمانِ يك مسيحيِ ضعيف مي‌شود، نبايد آن را در ملأ عام ابراز دارد. همچنين نبايد حق يا آزادي خود را در زمينة مسائل قابل بحث در حضور مسيحيان ضعيف به موقع اجرا بگذارد. مسيحيان قوي وقتي از حق و آزادي خود به نحو بدي استفاده مي‌كنند، باعث نابودي برادرشان مي‌شوند. بنابراين، هرگاه يك مسيحي ضعيف حضور دارد، مسيحي قوي بايد از ابراز يا عمل كردن به هر آنچه كه مسيحي ضعيف آن را نادرست مي‌شمارد، اجتناب كند. مسألة مهم در روابط برادرانة مسيحي، حقوق شخصي و آزادي شخصي نيست، بلكه عمل كردن به محبت در حق مسيحياني است كه در خصوص مسائل قابل بحث، نظرات يا يقين‌هايي متفاوت دارند.

ب) مسيحيان بايد بگذارند كه رفتارشان را بنا شدن ديگران تعيين كند (14:13ـ 15). مسيحيان نبايد يكديگر را نابود سازند (14:15). ايشان نبايد كار خدا را در يك مسيحي ديگر خراب كنند (14:20). كلمة خراب كردن (در يوناني: apollumi) كلمه‌اي است قوي (اول قرنتيان 8:11). اما در اينجا به‌معني ارتداد و انحراف از ايمان مسيحي يا هلاكت ابدي نيست.

همة گناهان مخرب‌اند. وقتي يك مسيحي قوي از حق و آزادي خود در خصوص يك مسأله قابل بحث استفاده مي‌كند بدون آنكه به نظر يا يقين يا باور يك مسيحي ضعيف توجه داشته باشد، عملي مخرب انجام مي‌دهد، يعني در حق برادرش و خدا گناه مي‌كند. گناه مسيحي قوي اين است كه شرط محبت را بجا نمي‌آورد و نسبت به سلامت روحاني برادرش بي‌توجهي نشان مي‌دهد. رفتار خالي از محبت او سبب مي‌شود كه مسيحي ضعيف در ايمانش در خصوص مسائل قابل بحث لغزش بخورد. سبب مي‌شود كه نظر يا اعتقادِ مسيحي ضعيف تخريب گردد.

همچنين وقتي مسيحي ضعيف اجازه مي‌دهد كه يقينِ مذهبي‌اش توسط رفتار يك مسيحي قوي ويران شود، نسبت به خودش بگونه‌اي مخرب عمل مي‌كند، يعني او نيز نسبت به خود و به خدا گناه مي‌كند. گناه مسيحي ضعيف اين است كه به اعتقاد مذهبيِ شخصي و وجدان خود تجاوز مي‌كند. اگر مسيحي ضعيف به تجاوز به يقين‌هاي شخصي و وجدان خود ادامه دهد، و چنانچه اين تجاوز از وفاداري ترميم نگردد، ممكن است منجر به هلاكت او شود. بااينحال، حتي در اين مورد نيز خداوند قادر است او را استوار سازد (14:4).

مسيحي قوي بايد به اثري كه يقين‌ها و رفتارش مي‌تواند بر مسيحيان ضعيف داشته باشد، توجه كافي بكند. نه مسيحي قوي و نه مسيحي ضعيف، هيچيك حق ندارند در پس تعاليم كتاب‌مقدس در زمينه امنيت مسيحيان و مداومت ابدي مسيحيان پناه بگيرند. مسيحيان ضعيف نيز صنعت خدا هستند (افسسيان 2:10) و خدا نيز در حال بناي ايشان مي‌باشد. لذا مسيحيان قوي نبايد با نمايش حقوق و آزادي خود بدون رعايت اصل محبت، باعث تخريب و لطمه ديدن آنان گردند.

ج) مسيحيان مسؤوليت دارند كه ملكوت خدا را توسعه دهند، نه حقوق و آزادي خود را (14:17-19). هنگامي‌كه حقوق و آزادي مسيحي قوي موجب لطمه به مسيحي ضعيف مي‌گردد، در آنصورت حقوق و آزادي او موجب بدنامي مي‌شود. آنچه كه در ملكوت خدا اساسي است برخورداري از نظرات و يقين‌هاي قوي در مورد مسائل قابل بحث نيست، بلكه گسترش ملكوت خدا، صلح و شادي در روح‌القدس است. ملكوت خدا آن قلمرويي است كه همه مسيحيان به آن تعلق دارند، آن ساحتي است كه حاكميت خدا در آن مورد تصديق است و اراده‌اش برترين مي‌باشد! وقتي مسائل خوردن و نوشيدن تبديل به مسأله عمدة ما مي‌شود، مشخص است كه تفكر و رفتار ما چقدر از منافع ملكوت خدا دور افتاده است. مسؤوليت‌هاي مسيحيان در ملكوت خدا، انجام كارهايي است كه در نظر خدا درست است، اشاعه صلح در روابط شخصي است، و فقط انجام كارهايي است كه باعث بناي ديگران مي‌شود، تا همه بتوانند شادي را تجربه كنند. مسيحيان فقط با انجام چنين اموري مي‌توانند مسيح را خدمت كنند و خدا را خشنود سازند و مورد تأئيد ديگران، خصوصاً غيرمسيحيان قرار گيرند (14:ـ 18-19). رفتار بي‌ملاحظه از سوي مسيحيان قوي، بازتابي ژرف در نظر و قضاوت غيرمسيحيان دارد. مسيحيان نبايد به دست دشمن بهانه‌اي بدهند كه بر عليه كليسا سخن بگويند. انجام آنچه كه در نظر خدا راست است، و يكرنگي در روابط، دو امري است كه بايد بر روحيات و رفتار مسيحيان در روابط كليسايي حاكم باشد.

سؤال 4. (14:20 b-23) رابطه ميان ايمان فرد و يقين‌هاي او در خصوص مسائل قابل بحث چيست؟
يادداشتها. هم مسيحيان قوي و هم مسيحيان ضعيف در خصوص مسائل قابل بحث داراي نظرات و يقين‌ها و باورهايي مي‌باشند. اما نظرات و يقين‌ها يا باورهاي شخصي ايشان با يكديگر متفاوت است.

الف) مسيحيان نبايد كاري بر خلاف يقين‌هاي شخصي خود انجام دهند. روميان 14:20 مي‌فرمايد: «بد است براي آن شخص كه براي لغزش مي‌خورد.» به احتمال زياد «آن شخص كه براي لغزش مي‌خورد» آن مسيحي ضعيف است، زيرا آيه 21 صريحاً مي‌گويد كه كسي كه لغزش مي‌خورد، آن مسيحي ضعيف است. مسيحي ضعيف زماني لغزش مي‌خورد كه چيزي را بر خلاف اعتقاد و يقين شخصي خود مي‌خورد، يعني زماني كه بدون وجداني راحت و بدون ايمان مي‌خورد (14:14،ـ 23). بنابراين، در آيه 21 به مسيحي قوي توصيه شده كه دست به انجام كاري نزند كه در نهايت موجب لغزش مسيحي ضعيف مي‌گردد. مي‌فرمايد: «گوشت نخوردن و شراب ننوشيدن و كاري نكردن كه باعث ايذاء (يعني اذيت) يا لغزش يا ضعف برادرت باشد، نيكو است.» خوردن گوشت و نوشيدن شراب بخشي از وسواس‌هاي مسيحيان ضعيف بود.

ب) مسيحيان بايد همه چيز را مطابق با ايمان شخصي خود انجام دهند، يعني مطابق با اعتقاد و يقين شخصي خود. مسيحيان قوي حق دارند كه نظرات يا يقين‌هاي قوي در مورد آزادي خود داشته باشند و آزاديهاي خود را در زمينه مسائل قابل بحث به‌عمل آورند (14:22). اما نيازي نيست كه از يقين‌هاي شخصي خود دست بكشند، زيرا در اينصورت، بدون ايمان عمل كرده‌اند (14:23). درضمن، نبايد حقوق و آزاديهاي خود را به نمايش بگذارند طوري كه مسيحيان ضعيف لطمه ببينند. برعكس، بايد نظرات و اعتقادات خود در خصوص مسائل قابل بحث را ميان خود و خدا نگاه دارند (14:22).

مسيحيان ضعيف حق دارند در خصوص همان مسائل قابل بحث، نظرات يا اعتقادات متفاوتي داشته باشند و از انجام آنچه مسيحيان قوي مي‌كنند، بپرهيزند (14:22). اما ايشان نيز نبايد از اعتقادات شخصي خود دست بكشند، زيرا در اينصورت، ايشان نيز بدون ايمان عمل كرده‌اند (14:23). ايشان نبايد كاري بكنند كه در موردش شك دارند يا وجدانشان ناراحتشان مي‌سازد. مسيحيان ضعيف گرچه ممكن

است وسوسه شوند که بر طبق نمونه مسيحيان قوي، از يقين‌ها و اعتقادات خود تجاوز کنند، اما ايشان مسؤول اعمال خود باقي خواهند مانـد. رومیـان 14:23 مي‌فرمايـد: «ل'کن آنکـه شـك دارد، اگـر بخـورد ملزم مي‌شود، زيرا به ايمان نمي‌خورد؛ و هر چه از ايمان نيست، گناه است.» اما وقتي مسـيحي ضـعيف از وجدان خود تجاوز مي‌کند و دست به عملي مي‌زند که معتقد است کـه نبايـد انجـام دهـد، بـدون ايمـان عمل مي‌کند. انجام هر کـاري بـدون ايمـان گنـاه اسـت. بـه اين دليـل اسـت کـه هم مسـيحي قـوي و هم مسيحي ضعيف بايد کارهايي را انجام دهند که بطور ذهني ايمان دارند که درست است. با ايمان است که مسيحيان استوار مي‌ايستند.

گام 4: کاربرد

ملاحظه: کداميك از حقايق موجود در اين بخش، چيزي اسـت کـه مسـيحيان مي‌تواننـد امـروز آن را به‌کـار ببرند؟

در ميان گذاشتن و يادداشت کردن: با يکديگر فکر کنيم و از روميـان 14:1-23 فهرسـتي از کاربردهـاي احتمـالي تهيه کنيم.

ملاحظه: کدام کاربرد احتمالي را خدا مي‌خواهد که شما به کاربردي شخصي براي خودتان تبديل کنيد؟

يادداشت کردن: اين کاربرد شخصي را در دفترتان بنويسيد. مي‌توانيـد کـاربرد شخصـي‌تان را بـا ديگـران در ميان بگذاريد.

(به ياد داشته باشـيد کـه در گروههـاي مختلف، افـراد ممکن اسـت حقـايق متفـاوتي را بـراي کـاربرد شخصـي انتخـاب کننـد، يـا حـتي کاربردهـاي متفـاوتي را از يـك حقيقت اسـتخراج کننـد. ذيلاً فهرسـتي از کاربردهاي احتمالي را ارائه مي‌دهيم.)

کاربردهاي احتمالي

- 14:1،3؛ مسيحي قوي بايد وسواس‌ها و نظرات و يقين‌ها يا باورهاي مسيحي ضعيف را در خصوص مسائل قابل بحث بپذيرد بدون اينکه او را مورد قضـاوت قـرار دهـد و بـدون اينکـه او و وسـواس‌هايش را تحقير نمايد.

- 14:3؛ مسيحي ضعيف نبايد مسيحي قوي را بخاطر پايبندي به نظرات يا يقين‌ها يا باورهاي متفاوت در خصوص مسائل قابل بحث محکوم کند.

- 14:5،23؛ مسيحيان ضعيف و قوي هر دو بايد در خصوص آنچه بطـور ذهـني در خصـوص مسـائل قابل بحث درست مي‌دانند، کاملاً يقين داشته باشند. ايشان فقط بايد در قلمرو و سـاحتي عمـل کننـد کـه مي‌دانند براي خودشان درست است!

- 14:6-9؛ فرد مسيحي هر کاري را که در ساحت مسـائل قابـل بحث انجـام مي‌دهـد، بايـد بخـاطر خداوند انجام دهد و او را شکر گويد.

- 14:10-12؛ مسيحيان بايد بگونه‌اي زندگي کنند که نشان دهد که به اين مسأله کاملاً واقف‌انـد کـه بايد حساب زندگي شخصي خود را در حضور تخت داوري خدا پس دهند.

- 14:13،20؛ مسيحيات قوي بايد تصميم بگيرنـد کـه هيچگـاه سـنگ لغـزش يـا مـانعي بـر سـر راه مسيحيان ضعيف نگذارند و هرگز کار خدا را در ايشان خراب نکنند.

- 14:14؛ گرچه همه خوراکها في‌نفسه پاك است، يك مسيحي ضعيف بايـد فقـط آن خوراکهـايي را بخورد که معتقد است براي خودش پاك هستند.

- 14:15،21؛ در صورتيکه خوردن گوشـت و نوشـيدن شـراب بـاعث آزردگي يـك مسـيحي ضـعيف مي‌گردد، مسيحي قوي بايد از انجام اين کار در حضور مسيحي ضعيف اجتناب کند.

- 14:15؛ رفتار مسيحيان قوي را بايد محبتشان به خدا و به همسايه و بـه خودشـان تعـيين کنـد، نـه حقوق و آزاديهايشان.

- 14:16،22؛ مسيحيان قوي نبايد به مسيحيان ضعيف اجازه دهند که در مـورد آنچـه کـه ايشـان در خصوص مسائل قابل بحث درست مي‌دانند، بدگويي کنند. درضمن، ايشان نبايد خـود را بـراي پايبنـدي بـه چنين نظرات و يقين‌ها و باورهايي محکوم کنند.

- 14:17،19؛ رفتار مسيحيان بايد توسط پادشاهي خدا تعيين شود که مستلزم آن است کـه ايشـان آنچه را که در نظر خدا درست است انجام دهند، و با مردماني که عقايـد متفـاوتي دارنـد در صـلح و صـفا زندگي کنند، و باعث بناي يکديگر شوند.

- 14:22؛ مسيحيان قوي و ضعيف بايد نظرات و يقين‌ها و اعتقادات خود را در خصوص مسائل قابل بحث، ميان خود و خدا نگاه دارند.

کاربردهاي شخصي

- من مي‌خواهم بيشتر مراقب باشم که نظـرات سـاير مسـيحيان در خصـوص مسـائل قابـل بحث را مورد انتقاد و داوري و محکوميت و تحقير قرار ندهم.

- من مي‌خواهم بيشتر مراقب باشم كه چيزي نگويم و كاري نكنم كه باعث لغزش يك مسيحي ديگر در ايمان مسيحي‌اش بگردد.

گام 5: دعا
دعا: هر يك از ما به‌نوبت در بارة يكي از حقايقي كه خدا از روميان 1:14-23 به مـا آموختـه اسـت، دعـا كنيم.
(نسبت به آنچه كه در طول اين بررسي كتاب‌مقدس آموخته‌ايـد، در دعـا واكنش نشـان دهيـد. تمـرين كنيد كه فقط طي يك يا دو جمله دعا كنيد. به يـاد داشـته باشـيد كـه افـراد در گروههـاي مختلف، در بـارة مطالب متفاوتي دعا خواهند كرد.)

5 دعا (8 دقيقه)
دعاي واكنشي
به دعا كردن در گروههاي دو نفري يا سه نفري ادامه دهيد. براي يكديگر و براي مردم جهان دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)
براي جلسه بعد
(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيـد كـه آن را در دفـتر يادداشتشـان رونويسي كنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه «روميان 1:14-23» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از دانيال 2ـ 3ـ 4ـ 6 را بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: روميان 13: 8 را مورد تعمق قرار داده، حفظ كنيد. هر روزه 5 آيه حفظيِ آخر را مرور كنيد.
- آمادگي: مثل ده باكره از متي 1:25-13. از روش 6 گام براي تفسير مَثَل‌ها استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.